



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۹/۲۹



عزیز الله کهگدای

یادداشتهای حافظ نور محمد کهگدای

قسمت ۴۸

ماسه فروش که به مقامات عالیه رسید

یکی از اشخاصی که در عهد تیمورشاه درانی و پادشاهی پسرش شاه زمان به مقامات عالیه دولتی رسید و مورد اعتماد دولت قرار گرفت، یادداشت سردار محمدعباس خان کامران خیل به شرح حال و کارنامه های این شخص بلقب «جان نثارخان» که با داستان های افسانوی بیشتر شباهت دارد در حاشیه کتاب قلمی خود چنین می نگارد: «این شخص که اصلاً مرد ساده، فعال و خیراندیش، خوب صورت و خوش اندام و از اهالی طبقه عوام چهاردهی کابل نمایندگی میکرد. نام اصلی وی عبدالله و از زمینداران و مالداران چهاردهی بود. در خانه خود ماست، پنیر و قیماق تهیه و روزانه توسط بانکی ماست، با پاچه های برزده و بیزارهای بلند به کابل بفروش میرساند. آهسته آهسته خود را از سرچوک، و بازارهای شهر به ارگ بالا حصار رسانید و بیچاره اشپزخانه سلطنتی گردید هر روز بلا ناغه خمره ماست به اشپزخانه شاهی برده می فروخت.

در یکی از روزها نظر اعلیحضرت تیمورشاه به همین شخص افتاد و خوشش آمد. امر کرد که او را بدربار حاضر نمایند. وقتیکه بحضور پادشاه مشرف شد، پادشاه گفت: «خمره ماست شما به قیای تاسی مبدل شد!» در اثر لطف تیمورشاه درباریان خلعت های فاخر آورده او را پوشانیدند و پیش خدمت حضور، جپان نشین و صدرنشین گردید و لقب «جان نثار» برایش دادند و با رفتار ساده و شیوه صمیمانه به خدمت گذاری مصروف بود.

اعلیحضرت تیمورشاه درانی بروز یکشنبه ۷ شوال ۱۲۰۷ ق در حرمسرای بالا حصار کابل وفات یافت و از ازدوج متعدد تا جایکه خاطرات تاریخی ثبت توانسته «۳۲ فرزند» نکور از خود بجاماند. وقتیکه دوره سلطنت تیمورشاه به پایان رسید، شاه زمان پسرش بر مسند قدرت نشست، جان نثارخان موصوف بیشتر مورد اعتماد و توجه زمان شاه قرار گرفت. و شاه زمان آنچه از قوم سدوزایی از قبیل شهزادگان، مردان و زنان را در بالا حصار حبس نمود، خبرگیری و واری خواراک آنها به جان نثارخان سپرده شد و او رویه خوب با مقیدیان نمیکرد، بالاخره یکی از شهزاده ها کدام سیلاوه را پنهانی پیدا کرده جان نثارخان را بقتل رسانید، در حالیکه وزیر اعظم شاه زمان بنام محمد هاشم چند مراتبه بخدمت شاه زمان عرض کرده بود تا شهزاده ها را از قید رها نمایند اگر رها نشوند این قدر ظلم و ستمی که از جانب جان نثارخان به آنها میرسد لازم نداشت.

جان نثارخان در زمان پادھی شاه زمان بیشتر صاحب قدرت و اعتماد و توجه قرار گرفت و به رتبه مختارکاری و قللر آغاسی سرکار سرفراز شد. زمانی در غیاب شاه که در قندهار مصروف بود و پسرش شهزاده قیصر در کابل حکومت میکرد جان نثارخان مشاور وی بود، همچنین او در تعمیر قصر های سلطنتی زمان شاهی در بالا حصار و شهر کابل زحمت زیاد کشید در قطار این آبادیها اولی تر از همه طرح قصرچهل ستون که در حصص شرقی بالا حصار کابل بناء نهاده بودند تنها مأخذی در باره این قصر معلومات کافی میدهد، منظومه است از میرزا لعل محمد «عاجز» افغان شاعر و طبیب معروف کابل که در عصر تیمورشاه و زمان شاه زندگی میکرد، این شاعر نامور در سلطنت زمانشاه در کابل میزیست. قصیده ها و پارچه های ادبی که در مدح شاه و در توصیف بعضی از آبادی های آن زمان سروده است منجمله در باب قصرچهل ستون که در حصص شرقی بالا حصار به امر زمانشاه و به توجه جان نثارخان اعمار شده چند فرد ذیل منظومه از اوست:

بنا نموده بنائی که سرکشیده به کیوان
چوسرودلکش جانبخش هم چوقامت خوبان
ز چهار سمت ستونها کشیده صف چو غلامان
به دور دیده ستونها کشیده حلقه چو مژگان
که آفتاب ز چرخ چهار سمت مست نمایان
که بی ستون بود آنجا زجمع سایه نشینان

بسمت شرقی بالا حصار قلعه کابل
چهل ستون که بود هرستون او به لطافت
چهل ستون که به تعظیم پایتخت شهنشه
سریر شاه بود اندر وجود دیده روشن
از آن به منزل چهارم بقین منزل شه شد
عمارتی چون عمارت چهلستون رفیعی

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

طوری که میرزا اعل محمد «عاجز» در قصیده خود تعریف میکند ، چهل ستون زمانشاهی عمارتی بود بلند و رفیع مشتمل بر چهارمنزل و در یکی از اتاق های منزل چهارم، سریر پادشاهی گذاشته شده بود چنانچه آنرا «کلاه فرنگی» می نامیدند. زمینهای اطراف قصر صاف و خیابانها همه مشجر بود ، دیدن قصر و جدوال های آب و صفوف درختشان آن مجموعه زیبا و دیدنی تشکیل داده بود. این قصر به امر شاه زمان وسیعی جان نثارخان در سال ۱۳۱۰ ق به پایة تکمیل رسید.

عبدالله ملقب به جان نثارخان همان ماست فروش ، درمهر خود این فرد را بحیث سج حک کرده بود :

بود عبدالله در عهد شه گردون سریر
جان نثار از رتبه مختار کاری شد امیر

پایان